زینب زین

خیز زعفران برای رقابت با طلا در جذب سرمایه

نخستین تأمین مالی صنعت زعفران از بازار سرمایه با انتشار اوراق سلف موازی اســـتاندارد و جذب ۵۰۰ میلیارد تومان، استفاده از ابزارهای مالی را در یکی از مهم‌ترین محصولات صادراتی بخش کشاورزی وارد مرحله اجرا کرد و عرضه بیش از ۲ میلیون و ۵۳ هزار قرارداد با قیمت پایه ۲ میلیـــون و ۴۳۵ هزار ریال برای هر قرارداد، امکان تأمین ســـرمایه در گردش فعالان این صنعت را از طریق بازار ســـرمایه فراهم کرده و همزمان با تأکید بر هدایت نقدینگی به بخش‌های مولد، رقابت زعفران با بازارهایی مانند طلا برای جذب ســـرمایه را وارد مرحله‌ای امیدوارکننده کرده است.

بازار زعفران معمولاً بیشتر با نوسان قیمت، صادرات و جایگاه ایران در تولید جهانی شناخته می‌شد، اما استفاده از ابزارهای مالی، ابعاد جدیدی به این بازار بخشیده اســـت، به طوری که انتشـــار اوراق سلف موازی استاندارد زعفران، برای نخســـتین بار امکان تأمین مالی مستقیم یک شرکت فعال در این حوزه را از طریق بازار سرمایه فراهم کرد که ارتباط میان بخش مالی و زنجیره تولید را وارد چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای از همکاری کرده است. در این عرضه، بیش از ۲ میلیون و ۵۳ هزار قرارداد با قیمت پایه ۲ میلیون و ۴۳۵ هزار ریال برای هر قرارداد معامله شد و در مجموع ۵۰۰ میلیارد تومان منابع مالی در اختیار ناشر قرار گرفت. معاملات ثانویه این اوراق از دهم تیر ۱۴۰۵ آغاز می‌شـــود و تا نهم تیر ۱۴۰۷ ادامه خواهد داشت و سررســـید اوراق نیز دو سال پس از عرضه اولیه تعیین شده و دوره تحویل یک ماه پس از سررسید خواهد بود.

تأمین مالی از طریق بازار سرمایه، تفاوت‌های مهمی با شیوه‌های متداول دریافت تسهیلات بانکی دارد، به طوری که در این روش، منابع مورد نیاز بنگاه اقتصادی از محل سرمایه سرمایه‌گذاران تأمین می‌شود و هزینه‌های مالی نیز براساس شرایط انتشـــار اوراق تعیین می‌شود. همین ویژگی، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای خرید مواد اولیه، توســـعه فعالیت‌های تجاری و مدیریت ســـرمایه در گردش را فراهم می‌کند. بنابراین، برای صنعت زعفـــران که فعالیت آن به فصل برداشـــت، خریـــد محصول از کشاورزان و نگهداری موجودی وابسته است، دسترسی به منابع مالی در زمان مناسب، نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصادی شرکت‌ها دارد.

■ زعفران در مسیر توسعه ابزارهای مالی

قاعدتاً ورود زعفران به بازار ســـرمایه، محدود به انتشـــار اوراق سلف نیست، چراکه پیش از این، گواهی سپرده کالایی و قراردادهای مشتقه نیز برای این محصول راه‌اندازی شده و زمینه کشف قیمت شفاف‌تر را فراهم کرده بود. وجود همین زیرساخت‌ها، انتشار اوراق سلف موازی استاندارد را با دقت بیشـــتری همراه کرد؛ زیرا قیمت پایه عرضه اولیه براساس نرخ گواهی ســـپرده زعفران تعیین و از یک مرجع معاملاتی قابل استناد استفاده شد.

از طرفی استفاده از قیمت‌های معاملاتی، فاصله میان ارزش واقعی کالا و قیمت اوراق را کاهش می‌دهد و اعتماد بیشتری برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند. لذا این موضوع برای بـــازاری مانند زعفران که همواره تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند میزان برداشت، صادرات و تقاضای داخلی قرار دارد، اهمیت زیادی دارد و هرچـــه مبنای قیمت‌گذاری شفاف‌تر باشد، امکان مشارکت سرمایه‌گذاران نیز افزایش پیدا می‌کند. ویژگی دیگر این اوراق، قابلیت معامله در بازار ثانویه است و خریداران پس از پایان عرضه اولیه، امکان خرید و فروش اوراق را خواهند داشت و سرمایه آنها تا زمان سررسید بلوکه نخواهد شد. همین قابلیت، تفاوت مهمی میان اوراق سلف موازی اســـتاندارد و شیوه سنتی پیش‌فروش محصولات کشاورزی ایجاد کرده است؛ زیرا سرمایه‌گذار در هر زمان که نیاز داشته باشد، امکان انتقال اوراق خود را در بازار خواهد داشت.

این نکته نیز حائز اهمیت است که انتشار این اوراق در مقطعی انجام شد که بحث هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و بارها بر ضرورت حرکت ســـرمایه‌های خرد از بازارهای غیرمولد به ســـمت فعالیت‌های اقتصادی تأکید شده است. ابزارهای بازار سرمایه نیز به عنوان یکی از راهکارهای تحقق این هدف مطرح شده‌اند. بنابراین ورود زعفران به این حوزه، نمونه‌ای از همین رویکرد محسوب می‌شود.

■ رقابت برای جذب سرمایه از بازارهای سنتی

از ســـوی دیگر، بازار طلا یکی از مهم‌ترین مقاصد ســـرمایه‌های خرد است و بســـیاری از خانوارها برای حفظ ارزش دارایی‌های خود، خرید طلا را به دیگر گزینه‌های ســـرمایه‌گذاری ترجیح داده‌اند. در مقابل، بخش تولید همواره با کمبود منابع مالی و هزینه بالای تأمین سرمایه روبه‌رو بوده است. از این جهت، استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر کالا، تلاش دارد بخشی از این فاصله را کاهش دهد و سرمایه‌های مردمی را به فعالیت‌های اقتصادی پیوند بزند. البته انتشار نخستین اوراق سلف زعفران به معنای تغییر فوری رفتار سرمایه‌گذاران نیست و استقبال از چنیـــن ابزارهایی به عواملـــی مانند بازدهی، شـــفافیت معاملات، نقدشوندگی و ثبات مقررات وابسته است. هرچه این مؤلفه‌ها تقویت شوند، استقبال سرمایه‌گذاران نیز افزایش خواهد یافت و امکان انتشار اوراق مشابه برای دیگر محصولات کشاورزی نیز فراهم خواهد شد.

همچنین اهمیت این عرضه را باید فراتر از رقـــم ۵۰۰ میلیارد تومان ارزیابی کرد، چراکه ارزش اصلی این اقدام، شـــکل‌گیری الگویی تازه برای تأمین مالی زنجیره تولید محصولات کشاورزی است. اگر این الگو اســـتمرار پیدا کند، تولیدکنندگان می‌توانند بخشی از نیاز مالی خود را بدون اتکا به تسهیلات بانکی تأمین کنند و ســـرمایه‌گذاران نیز در فعالیت‌هایی مشارکت داشته باشند که پشتوانه آن یک کالای واقعی و قابل معامله است. بنابراین زعفران به دلیل جایگاه ویژه در صادرات غیرنفتی، ظرفیت بالایی برای توسعه ابزارهای مالی دارد و وجود بازار فعال گواهی سپرده، سابقه معاملات مشتقه و امکان کشف قیمت روزانه، زیرساخت‌هایی را فراهم کرده اســـت که برای بسیاری از محصولات کشـــاورزی هنوز در دسترس نیســـت. همین مزیت، امکان گسترش روش‌های نوین تأمین مالی را برای این محصول افزایش داده است.

در صورت تداوم انتشار چنین اوراقی، آثار آن به شرکت‌های فعال در بازار زعفران محدود نخواهد ماند و افزایش قدرت خرید تولیدکنندگان، تسهیل معاملات، تقویت نقدینگی در زنجیره تأمین و توسعه بازارهای رسمی خرید و فروش، بخشی از نتایجی اســـت که در ادامه این روند قابل انتظار خواهد بود. هرچه سهم ابزارهای مالی در این بازار افزایش یابد، فاصله معاملات سنتی با سازوکارهای شـــفاف بازار سرمایه نیز کمتر خواهد شد. در مجموع، نخستین تأمین مالی صنعت زعفران از طریق بازار سرمایه، آغاز استفاده از ظرفیتی است که سال‌ها در اقتصاد کشاورزی کمتر مورد توجه قرار داشت. موفقیت این تجربه، زمینه را برای حضور گسترده‌تر سایر محصولات کشاورزی در بازار سرمایه فراهم می‌کند و ابزارهای مالی مبتنی بر کالا را از یک تجربه محدود، به بخشی از سازوکار تأمین مالی بخش تولید نزدیک‌تر خواهد کرد.

طرح دوباره واردات مرغ اجداد در حالی مطرح می‌شود که خودکفایی در سویه «آرین» به یکی از دستاوردهای امنیت غذایی تبدیل شده است

مرغ «لاین» غاز نیست!

برای حفظ امنیت غذایی و استقلال ژنتیکی باید توسعه سویه بومی «آرین» استمرار داشته باشد
در غیر این‌صورت، واردات سویه‌های خارجی مرغ اجداد و لاین ایجاد وابستگی می‌کند

گزارش یک
بهناز قاسمی

ظاهراً دبیر فدراسیون طیور کشور، بحران سال ۱۳۹۹ و تحریم واردات مرغ لاین را فراموش کرده است که کشور را با مشـــکل تأمین مرغ روبه‌رو کرد و وزارت جهاد کشاورزی را به ســـمت خودکفایی در تولید سویه آرین سوق داد. اکنون گفته می‌شود سویه آرین به دلیل ضریب تبدیل خوراک و میزان تولید گوشت، سالانه بین ۲ تا ۲/۵ میلیارد دلار خسارت به صنعت طیور و اقتصاد کشور وارد می‌کند و بر همین اساس، واردات سویه‌های دیگر پیشنهاد می‌شود. این در حالی است که امروز بی‌نیازی کشور از واردات مرغ لاین، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای صنعت طیور به شمار می‌آید. بنابراین، نکته اینجاست که چرا در سال‌هایی که دولت برای واردات نهاده‌های دامی ارز ترجیحی اختصاص می‌داد، هیچ‌یک از تشکل‌های این صنعت درباره مصرف بالاتر نهاده در سویه آرین ســـخنی نمی‌گفتند؟ اکنون که کشـــور دو جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشـــته و بیش از هر زمان دیگری به تقویت امنیت غذایی و خودکفایی نیاز دارد، دوباره واردات سویه‌های خارجی مرغ اجداد مطرح می‌شود؟ به جای بازگشـــت به وابستگی، منطقی‌تر آن است که با فرهنگ‌سازی برای مصرف مرغ با وزن کمتر و سرمایه‌گذاری در اصلاح ژنتیکی سویه آرین، نقاط ضعف این نژاد با هزینه‌ای به‌مراتب کمتر برطرف شود و مسیر خودکفایی ادامه پیدا کند.

اگر تولید مرغ گوشتی خانوار را به عنوان یک زنجیره در نظر بگیریم، مرغ لاین در ابتدای زنجیره و جوجه یک‌روزه در انتهـــای آن قرار دارد. بـــه عبارتی، مرغ مصرفی خانوار، از رشد جوجه‌های یک‌روزه به وجود می‌آید که از نسل قبلی، یعنی مرغ‌های مادر به وجود آمده‌اند. یک نسل قبل از مرغ‌های مادر نیز، مرغ اجداد و در نهایت نســـل قبلی آن، یعنی مرغ‌های لاین در زنجیره تولید مرغ قرار دارند.

تعداد کشـــورهای صاحـــب علم و فنـــاوری صنعت مرغداری در جهان بسیار اندک هستند. فقط هشت کشـــور «امریکا»، «هند»، «انگلیـــس»، «هلند»، «برزیل»، «آلمان»، «فرانسه» و «ایران» توانایی تولید مرغ‌های لاین را دارند. بنا بر نظر کارشناســـان، هیچ کشوری فناوری تولید مرغ خود را در اختیار دیگران قرار نداده و حاضر به فروش مرغ لاین خود نیست.

تولید و فناوری حفظ و گسترش نسل مرغ‌های لاین، فقط در تعداد معدودی از کشورهای دنیا وجود دارد. وجود لاین در کشور، نشـــانه‌ای از استقلال کشور و نبود وابستگی اســـت و موضوع مهم امنیت غذایی را نیز تأمین می‌کند. کشورهای دارنده این امتیاز تلاش می‌کنند دیگر کشورها را در زمینه تأمین غذا به خود وابسته نگه‌دارند و مرغ خوراکی نیز یکی از این موارد است. قیمت مرغ لاین بسیار بالاست و شرکت‌های خارجی تمایلی به فروش آن ندارند و بیشـــتر سعی دارند نسل دوم، یعنی مرغ اجداد را به فروش برسانند. در ایران تلاش‌های زیادی در زمینه کســـب فناوری پرورش مرغ لاین انجام شـــده است. در سال ۱۳۶۲، دولت طرحی را برای حفظ و پرورش نژاد مرغ لاین هایبرو هلندی با نام آرین مطـــرح کرد که طبق آن، مجتمعی در منطقه بابل‌کنار استان مازندران تأسیس و به این امر اختصاص داده شد.

طرح مذکور تا حد خوبی موفق شد و تا ابتدای دهه ۸۰ شمسی، ۸۵ درصد بازار مرغ کشور، در اختیار نوه و نتیجه‌های لاین آرین بود، اما به دلایل مختلف شرکت راس انگلیسی و هوبارد فرانسوی توانستند در کمتر از ۳ سال، با واردات سنگین مرغ اجداد، جای نژاد ایرانی را بگیرند و سهم آرین را به زیر ۲ درصد برسانند.

با شـــروع افزایش تحریم‌ها، در ابتدا مرغ‌های اجداد به دلیل ایجاد وابستگی اولویت کمتری برای تحریم داشتند، اما در سال ۹۸ نوبت به تحریم مرغ اجداد هم رسید و کشـــورهای دارای مرغ لاین، از فروش مرغ اجداد به ایران امتناع کردند. این امر موجب اختلال بازار در سال ۹۹ شد و موضوع امنیت غذایی به طور جدی حیاتی بودن خود را نشان داد.

■ مشکل مرغ لاین آرین چیست؟

از دست دادن سهم ۸۵ درصدی آرین از بازار، ناشی از خصوصیات ژنتیکی این نژاد اســـت. دوره پرورش جوجه‌های خارجی با اصلاح ژنتیکی به ۴۵ روز رسیده اســـت و در این دوره، وزن بالایی به خود می‌گیرند. جوجه‌های یک‌روزه نژاد آرین در ۳۵ روز نخست عمر خود، رشدی سریع‌تر و بیشـــتر از نژادهای خارجی دارند، اما بعد از آن میزان خوراک بیشتری را نسبت به ســـایر نژادها نیاز دارد و در مقابل حجم کمتری را به خود می‌گیرد و حتی ممکن است با بیماری‌هایی نیز روبه‌رو شود.

این در حالی است که به گفته بسیاری از کارشناسان سلامت، دوره رشد ۳۵ روزه و رسیدن به وزن‌هایی در حدود کمتر از ۱/۵ کیلوگرم برای مصرف مرغ مناسب است، اما فرهنگ‌سازی لازم در این خصوص صورت نگرفته و یک باور اشتباه در جامعه وجود دارد که مرغ بزرگ‌تر سالم‌تر و برای مصرف بهتر است.

■ بهانه‌جویی تشکل‌ها برای واردات سویه‌های دیگری از مرغ اجداد

به گزارش مهر، روز گذشـــته ســـید فرزاد طلاکش، دبیرکل فدراسیون طیور کشور در یازدهمین همایش صنعت مرغ گوشتی مادر با انتقاد از بهره‌وری پایین سویه مرغ آرین گفت: صنعت مرغ مادر در همه دنیا علاوه بر اینکه در امور ژنتیکی و بحث‌های تخصصی که در ارتقای کیفیت جوجه انجام می‌شود، در بحث بهره‌وری نیز موضوعات پیگیری می‌شود. این فعال صنعت طیور تصریح کرد: کشور در شرایطی قرار دارد که نیاز داریم به‌روزرسانی در حوزه ژنتیکی مرغ مادر اتفاق بیفتد. متأسفانه در یکی از سویه‌های اصلی که سویه راس است، ۵ سال است که وارد کشور نمی‌شود و ما این چالش بهـــره‌وری را در این حوزه داریم. وی در ادامه به چالش‌های صنعت طیور در مورد ســـویه آرین پرداخت و عنوان کرد: تمام دستگاه‌های دولتی و تخصصی به این نتیجه رســـیده‌اند که سویه آرین بهره‌ور نیســـت؛ ولی به دلایلی اصـــرار زیادی وجود دارد که این سویه در صنعت به صورت اجباری باشد.

دبیر فدراسیون طیور کشـــور افزود: با توجه به تمام اعتراضات، متأسفانه این سویه به صورت غیرفنی و غیرعلمی به صنعت تحمیل شده است.

طلاکش بدون توجه به ضرورت خودکفایی کشـــور بر مرغ اجداد تأکید کرد: پرورش این ســـویه نه‌تنها منافعی ندارد، بلکه زیان زیادی به اقتصاد وارد می‌کند. اصرار داریم در چنیـــن همایش‌هایی اقتصاد صنعت طیور را به چالش بکشیم و در رابطه با آن با مخاطبان صحبت کنیم. هدف رسیدگی به این نقطه‌های کور است که به صنعت لطمه می‌زند و می‌توانیم به راحتی جبرانش کنیم. این مسئول صنفی یادآور شد: نفع و زیان این سویه‌ها در اعداد مشـــخص است. بنابراین در صنعت باید چند تغییر را شاهد باشیم. متأسفانه خیلی حمایت نمی‌شود. وی توضیح داد: نخست اینکه صنعت باید از سمت خرده‌مالکی، چه در حوزه مرغ مادر و چه در حوزه مرغ گوشتی، به سمت زنجیره‌های یکپارچه تولید حرکت کند که امروز خوشبختانه هم ساختار و هم تشـــکل‌های آن عملکرد خوبی دارند و ضریب تولید بهبود پیدا کند.

دبیر فدراسیون طیور کشور درباره ضریب تولید این صنعت در خرده‌مالکی اظهار کـــرد: اگر در مرغداری عادی ضریـــب تبدیل حـــدود ۱/۹ کیلوگرم مصرف خوراک و یک کیلوگرم تولید گوشت است، این عدد در زنجیره‌ها به ۱/۶ کیلوگرم خوراک به یک کیلوگرم گوشت می‌رسد. طلاکش یادآور شد: به این ترتیب، می‌توانیم ۴ واحد ضریب تبدیل را با زنجیره در صنعت طیور بهبود ببخشیم. وی افزود: در مرغ آرین متأسفانه این عدد (خوراک و نهاده) بالاتر از ۲ کیلوگرم است.

■ آمارهای غیرواقعی حوزه طیور

طلاکش به چالش بعدی صنعت طیور پرداخت و گفت: متأســـفانه چون فعالیت مرغداری‌ها بهره‌ور نیست و گوشت تولیدی توسط مردم و کشـــتارگاه استقبال نمی‌شـــود، در آمارها عدد جوجه‌ریـــزی می‌آید ولی مرغداران حاضر به پرورش آن نیستند و این آمارهایی که از وزارت جهاد کشاورزی یا دستگاه‌های مختلف منتشر می‌شـــود را تبدیل به آمار غیرواقعی می‌کند. بنابراین، نمی‌توانیم عددی که برای مصرف نهاده نیاز است را ارزیابی درست داشته باشیم. وی اظهار کرد: راهکارها به دولت ارائه شده است؛ یعنی سویه بهره‌ور قابل رقابت با سایر سویه‌ها جایگزین شود. وی گفت: اصلاح ژنتیکی در زنجیره یکپارچه ضروری اســـت تا بهره‌وری اتفاق بیفتد و از خسارت به کل صنعت طیور جلوگیری شـــود. ضمن آنکه دولت بداند، هزینه‌ای که می‌کند واقعاً کجا در حال هزینه شـــدن است که متأسفانه در ســـویه مرغ آرین، در شـــکل عملیاتی امروزش، غیر از این در حال عمل کردن است.

خسارت مردم از حلقوم بانک‌ها بیرون کشیده شود

نکته

ارجاع پرونده یکی از بانک‌هـــای دولتی به دادسرای دیوان محاسبات، آن هم به دلیل انحراف بیش از هزار میلیارد تومانی در قیمت‌گذاری و تهاتر دارایی‌ها، تخلفاتـــی رخ داده که در یک مورد، بیش از هزار میلیارد تومان انحراف در قیمت احصا شده است و این یعنی جایی که منافع بانک در میان بوده، قواعـــد آن‌گونه که باید رعایت نشـــده و البته پرونده نیز برای رسیدگی به دادسرا رفته است.

اما روی دیگر ماجرا مردم هستند که اگر یک قسط پشـــیزی را با چند روز تأخیر پرداخت کنند، بانک بدون کوچک‌ترین اغماض جریمه دیرکرد را محاسبه می‌کند و اگر چند هزار تومان از بدهی باقی بماند، تا دهیم، در فرآیند انتخاب کارشناس، قیمت‌گذاری و تهاتر دارایی‌ها، تخلفاتـــی رخ داده که در یک مورد، بیش از هزار میلیارد تومان انحراف در قیمت احصا شده است و این یعنی جایی که منافع بانک در میان بوده، قواعـــد آن‌گونه که باید رعایت نشـــده و البته پرونده نیز برای رسیدگی به دادسرا رفته است.

اما روی دیگر ماجرا مردم هستند که اگر یک قسط پشـــیزی را با چند روز تأخیر پرداخت کنند، بانک بدون کوچک‌ترین اغماض جریمه دیرکرد را محاسبه می‌کند و اگر چند هزار تومان از بدهی باقی بماند، تا آخرین ریال آن را مطالبه می‌کند و حتی شوربختانه بحث جریمه مرکب بارها محل اعتراض کارشناسان و مراجع مختلف بوده اســـت. اگر برای شبکه بانکی اینگونه است که تا آخرین قران باید در موعد خود از مردم عادی وصول شود، حالا چرا همین منطق درباره حقوق مردم هم اجرا نشود؟ یعنی اختلال چندروزه در خدمات بانکی، خسارت ســـنگینی به مردم وارد کرده است به طوری که بســـیاری از کسب‌وکارها از انجام معاملات بازماندند و انتقال وجه با مشکل روبه‌رو شد و حتی خرید و فروش متوقف شد، بنابراین بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی مردم آسیب دید، با این حال، هنوز خبری از سازوکار دقیق برای جبران این خسارت‌ها نیست.

بانک‌ها که برای حفظ یک خودکار، آن را با زنجیر به باجه می‌بندند تا کسی با خود نبرد، چگونه در برابر خسارتی که به هزاران مشـــتری وارد کرده‌اند، چنین بی‌تفاوت عمل می‌کنند؟ یا بانکی که برای چنـــد روز تأخیر در پرداخت قســـط، جریمه می‌گیرد و تا آخرین ریال آن را وصول می‌کند، امروز نیز مکلف است تا آخرین ریال خسارتی را که بر اثر اختلال در خدمات خود به مردم وارد کرده است، جبران کند. اگر منطق قرارداد و مسئولیت وجود دارد، این منطق باید برای بانک هم اجرا شود، نه اینکه فقط مردم طرف تعهد باشند.

ضمناً نهادهای نظارتی نیز نباید رسیدگی به تخلفات بانکی را به پرونده‌های موردی محدود کنند، چراکه عملکرد شـــبکه هزارتوی بانکی به نظارت مستمر، دقیق و بدون ملاحظه نیاز دارد. قاعدتاً هر جا حقوق مردم تضییع می‌شود، همان حساسیتی باید وجود داشته باشد که درباره وصول مطالبات بانک‌ها وجود دارد. اگر بانکی در اجرای قانون کوتاهی می‌کند یا در انجام تعهدات خود نسبت به مردم قصور دارد، برخورد با آن نباید با اغماض همراه باشد.

آن ۱۰ میلیارد دلار را دود نکنیم

گزارش ۳
حسام کمالی

گازهای همراه نفـــت در بســـیاری از کشورهای تولیدکننده به خوراک صنایع، سوخت نیروگاه‌ها یا منبع درآمد تبدیل می‌شوند، اما تازه‌ترین گزارش بانک جهانی از تداوم هدررفت این ســـرمایه در ایران حکایت دارد. براساس این گزارش، حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز به ارزش ۱۰ میلیارد دلار در میادین نفتی کشور طی سال ۲۰۲۵ در مشعل‌ها سوخته است که ایران را پس از روسیه در جایگاه دوم جهان از نظر سوزاندن گاز فلر قرار داد و بار دیگر ضرورت تسریع در اجرای طرح‌های جمـــع‌آوری گازهای همـــراه نفـــت را یـــادآوری می‌کنـــد.

گازهای همراه نفت، بخشی از فرآیند طبیعی استخراج نفت خام هستند و هنگام تولید نفت، مقدار قابل توجهی گاز نیـــز از مخزن خارج می‌شود. اگر زیرساخت لازم برای جمع‌آوری، انتقال و فرآورش این گاز وجود نداشته باشد، برای حفـــظ ایمنی عملیـــات و جلوگیری از افزایش فشـــار، در مشـــعل‌های بزرگ نفتی سوزانده می‌شود که در صنعت نفت با عنوان «فلرینگ» شناخته می‌شود. برآوردهای بانک جهانی، طبق آنچه تســـنیم نقل کرده است، نشان می‌دهد حجم گاز فلر شده در جهان طی سال ۲۰۲۵ به ۱۶۷ میلیارد مترمکعب رسیده است که نسبت به سال قبل ۶ درصد افزایش داشته و بالاترین سطح از سال ۲۰۱۹ محسوب می‌شـــود. ارزش اقتصـــادی گاز هدررفته در جهان حدود ۵۴ میلیارد دلار برآورد شـــده و ســـوزاندن آن، انتشـــار ۴۲۹ میلیـــون تن دی‌اکسیدکربن را در پی داشته است.

■ ایران در رتبه دوم جهان

در این رتبه‌بندی، روســـیه با ۳۰.۱ میلیارد مترمکعب گاز فلر شده در جایگاه نخست قرار دارد و ایران با ۲۹.۹ میلیارد مترمکعب در رتبه دوم ایستاده اســـت. عراق، ونزوئلا، مکزیک، لیبی، الجزایر، نیجریه، آمریکا و عربستان نیز در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین، میزان هدررفت گاز در میادین نفتی ایران نسبت به سال قبل ۵ درصد افزایش یافته، در حالی که تولید نفت کشور در همین بازه تنها ۲ درصد رشد کرده اســـت. این اختلاف نشان می‌دهد توسعه زیرســـاخت‌های جمع‌آوری گازهای همراه با رشد تولید نفت همگام نبوده و بخشی از گاز تولیدی همچنان در مشعل‌ها می‌سوزد. رقم ۱۰ میلیارد دلار، برآورد ارزش اقتصادی گاز فلر شده در ایران است که این مقدار گاز در صورت جمع‌آوری و استفاده، می‌توانست در نیروگاه‌ها، صنایع بزرگ، واحدهای پتروشیمی یا شبکه گاز کشور مصرف شود و ارزش افزوده قابل توجهی ایجاد کند.

■ هزینه‌ای فراتر از آلودگی هوا

فلرینـــگ از طرفـــی فقـــط یـــک مســـئله زیست‌محیطی نیست و هر مترمکعب گازی که در مشعل‌ها می‌ســـوزد، بخشی از منابع انرژی کشور را از چرخه تولید خارج می‌کند. وقتی اقتصاد کشـــور در فصل‌های ســـرد با ناترازی گاز روبه‌رو می‌شود و یا برخی صنایع یا نیروگاه‌ها با محدودیت تأمین سوخت مواجه می‌شوند، جایگاه این گازهایی که به راحتی سوزانده می‌شوند، به چشم می‌آید. گازهای همراه نفت همچنین خوراک ارزشـــمندی برای صنایع پتروشـــیمی به شمار می‌روند و تبدیل این گازها به محصولات پتروشیمی، ارزآوری و اشتغال بیشتری نسبت به سوزاندن آنها ایجاد می‌کند. به همین دلیل بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای کاهش فلرینگ انجام داده‌اند.

در ایـــران خودمان نیز طرح‌هـــای متعددی برای جمع‌آوری گازهای همراه نفت تعریف شده و بخشـــی از آنها به بهره‌برداری رسیده است، اما آمارهای جدید نشان می‌دهد فاصله میان حجم گاز تولیدی و ظرفیت جمع‌آوری همچنان قابل توجه است.

کارشناســـان صنعت انرژی معتقدند کاهش فلرینگ به توســـعه تأسیســـات فـــرآورش گاز، خطـــوط انتقـــال، واحدهـــای بازیافت و سرمایه‌گذاری مســـتمر نیاز دارد. هرچه این زیرساخت‌ها تکمیل شود، سهم بیشتری از گاز تولیدی وارد شبکه مصرف یا صنایع خواهد شد و میزان اتلاف کاهش می‌یابد. به هر روی، اقتصاد انرژی کشور در شرایطی قرار دارد که گاز برای صنعت، نیروگاه، پتروشیمی و صادرات ارزش مستقیم دارد و قاعدتاً استمرار هدررفت نزدیک به ۳۰ میلیـــارد مترمکعب گاز، عـــلاوه بر آثار زیست‌محیطی، هزینه فرصت سنگینی را نیز بر اقتصاد تحمیل می‌کند. به همین دلیل، کاهش فلرینگ به بخشی از سیاست مدیریت منابع انرژی و افزایش بهره‌وری در صنعت نفت تبدیل شده است و باید هر چه سریع‌تر حل شود.

اکسپوی بلگراد با کدام توجیه اقتصادی؟

نگاه
هادی اسماعیلی

دولت این روزها که مدام از نبود ارز و ضـــرورت مدیریت منابع ارزی ســـخن می‌گوید، در یک فرایند طولانی، یعنی با پیشنهاد وزیر «صنعت، معـــدن و تجـــارت» و با حکـــم معـــاون اول رئیس جمهور، مدیرعامل شـــرکت ســـهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران را به عنوان آنچه نماینده ایران نامیده، برای سازماندهی پاویون ملی ایران در رویداد جهانی اکسپوی ۲۰۲۷ بلگراد منصوب کرده است، که بار دیگر مسئله نسبت هزینه‌های نمایشگاهی با دستاوردهای واقعی اقتصادی را به سطح بحث عمومی آورده است.

این انتصـــاب در حالی صورت گرفته اســـت که اصل ماجرا، نه در شـــخص منصوب‌شده بلکه در فلسفه حضور ایران در رویدادهایی از جنس اکسپو قابل بررسی است، زیرا نمایشگاه جهانی اساساً برای کشـــورها فرصتی است تا ظرفیت‌های اقتصادی، صنعتی و فناورانه خود را در یک رقابت مستقیم به بازارهای جهانی معرفی و مسیر جذب سرمایه و توسعه صادرات را تقویت کنند، اما به قاعده تجربه، این مسیر در کشورمان اغلب به ساخت یک پاویون، برگزاری چند رویدادجانبی، ســـفر برخی خودی‌ها و تولید مجموعـــه‌ای از محتواهـــای تبلیغاتی محدود شده که اثر اقتصادی آن در آمارهای رسمی به‌سختی قابل ردیابی است.

هزینه‌های چنین حضوری نیز صرفاً به اجاره یک فضای نمایشـــگاهی محدود نمی‌شود و مجموعه‌ای از مخـــارج ارزی را در بر می‌گیرد که از طراحی مفهومی و معماری پاویون آغاز می‌شود و تا ساخت، حمل تجهیزات، تأمین نیروی انسانی، تولید محتوای چندرسانه‌ای، برنامه‌های فرهنگی و اقامت تیم اجرایی ادامه پیدا می‌کنـــد، در حالی که در شـــرایط فعلی اقتصاد کشـــورمان، مصرف ارز در پروژه‌هایی که بازده مستقیم و قابل اندازه‌گیری ندارند با حساسیت جدی روبه‌رو است، این مسئله مورد ابهام است که چطور برای چنین مواردی که در موارد قبلی هم هیچ آورده‌ای نداشته است، روی خوش نشان داده می‌شود.

همین اکســـپوی قبلی که با طمطراق زیادی نیز برگزار شد، چه آورده مشخصی برای کشور داشـــت که مجدد همین الگو تکرار می‌شود، به این معنا که در هـــر دوره پاویون جدیدی طراحی و اجرا شده، هیئت‌هایی اعزام شده‌اند و گزارش‌هایی کلی از معرفی ظرفیت‌ها منتشر شده اســـت، اما آنچه کمتر دیده شده، تبدیل این حضور به قراردادهای تجاری پایدار، جذب سرمایه خارجی یا گسترش بازارهای صادراتی بوده است و همین فاصله میان هزینه و نتیجه باعث شده است کارکرد اقتصادی این رویدادها در هاله‌ای از ابهام باقی بماند.

از طرفی اگر به ساختار تصمیم‌گیری و اجرای این پروژه‌ها نگاه شود، انتخاب مجریان و مدیران پاویون‌ها معمولاً در یک حلقـــه محدود اداری انجام می‌شود و مسیر رقابتی شفاف یا ارزیابی مســـتقل در آن نقش جدی نـــدارد، در نتیجه پروژه‌هایی شکل می‌گیرند که در ظاهر هر دوره با نام جدیدی اجرا می‌شوند اما در ماهیت اجرایی و الگوی هزینه‌کرد تفاوت محسوسی با دوره‌های قبل ندارند و این تکرار ساختاری خود به نوعی تثبیت یک چرخه کم‌بازده منجر شده است.

در کنار این موضوع، مسئله شفافیت مالی نیز جایگاه مهمی دارد، زیرا جزئیات هزینه‌های مربوط بـــه طراحی، ســـاخت، اجـــاره فضا، حمل‌ونقل، اقامت و فعالیت‌های تبلیغاتی در بســـیاری از موارد به صورت دقیق و عمومی منتشر نمی‌شود و همین خلأ اطلاعاتی امکان ارزیابی کارشناسی مستقل را کاهش می‌دهد، در نتیجه تحلیل نسبت هزینه و فایده بیشتر بر برآوردهای غیررسمی استوار می‌شود.

از منظر اقتصادی نیز حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی زمانی قابل پذیرش اســـت که در امتداد یک سیاســـت تجاری منســـجم قرار داشته باشد، به این معنا که پیش از برگزاری نمایشگاه، بازارهای هدف مشخص شده باشند، در زمان رویداد مذاکرات تجاری فعال شـــکل بگیرد و پس از پایان آن پیگیری قراردادها به صورت مستمر ادامه پیدا کند، اما در غیاب این زنجیره، پاویون عملاً از یک ابزار تجاری به یک فضای نمایشی تبدیل می‌شود که اثر آن محدود به دوره برگزاری نمایشگاه باقی می‌ماند.

در همین چارچوب، مقایسه هزینه‌های ارزی این پروژه‌ها با نیازهای داخلی اقتصاد نیز معنا پیدا می‌کند، زیرا در شرایطی که بخش‌هایی از تولید با کمبود سرمایه در گردش مواجه‌اند و زیرســـاخت‌های صنعتی نیازمند نوسازی هستند، تخصیص منابع ارزی به پروژه‌هایی با بازده نامشخص این سؤال را تقویت می‌کند که اولویت‌بندی اقتصادی بر چه اساسی انجام می‌شود و چه شاخصی برای سنجش بازگشت این هزینه‌ها تعریف شده است.